



Investigating indicators of the quality of urban life (Case study: Birjand city)

Rostam Saberifar^{1*}

1. Associate Professor, Department of Urban and Geography, Faculty of Social Science, University of Payam e Noor, Tehran, Iran

Received Date: 15 July 2024 Accepted Date: 23 July 2024

Abstract

Introduction: Multidimensional urban quality of Life encompasses horizontal dimensions (objective and subjective dimensions) and vertical dimensions (themes), which include relevant aspects of the living conditions that should be objectively and subjectively assessed. They took into consideration the objective, mental and vertical and horizontal dimensions of the quality of life category, which makes the officials would be able to not only provide their satisfactory at the highest level, but also step positively forward to determining reasons of citizens'

dissatisfactory and establish infrastructures that citizens are interested to, through tracking changes of all aspects of quality of life and choosing proper development of the city.

Methods and Material: The following study seek to survey the condition of quality of life of Birjand city that is recently assigned as the center of South Khorasan, applying descriptive – analytic method. Therefore, a sample of 271 households are selected from different restricts of the city and data are collected through field survey and using questionnaire. Finally, the collected data has been analyzed by statistics methods and related software applications.

Results and Discussion: The results suggest that the condition of quality of life quality mainly was lower than moderate level, from subjective and objective aspects throughout the whole city. Nevertheless, northern districts suffer much worse and improper condition rather than southern districts; and it is essentially needed that officials, not only implement to improve quality of life within the city, but also take a deeper care to northern districts which are taken more prioritization.

Conclusion: This study tried to contribute to our understanding of the disparities in urban QOL, and provide a scientific basis for urban policies that achieve diversity and inclusiveness.

Keywords: Quality of life, satisfactory, need assessment, Birjand City.

* Corresponding Author: Email: r_saberifar@pnu.ac.ir

Cite this article: Saberifar, R. (2024). Investigating indicators of the quality of urban life (Case study: Birjand city). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 5(2)1-18.



کاربرد شاخص‌های چند بعدی (افقی و عمودی) در بررسی کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر بیرجند)

رستم صابری فر *

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲

چکیده

زمینه و هدف: کیفیت زندگی مقوله‌ای چند بعدی و شامل ابعاد افقی (عینی و ذهنی) و عمودی است و جنبه‌های متفاوتی از حیات شهروندان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل، نمی‌توان آن را به یک یا چند شاخص خاص، محدود کرد. مدنظر قرار دادن ابعاد عینی و ذهنی (افقی) و عمودی مقوله کیفیت زندگی، باعث می‌شود مسئولان از این طریق قادر باشند با پیگیری تغییرات در جنبه‌های مختلف زندگی و انتخاب توسعه مطلوب شهر، رضایتمندی ساکنین را تامین و زمینه‌هایی که شهروندان به مشارکت در آن حوزه‌ها راغب هستند، فراهم آورند.

روش بررسی: در پژوهش حاضر سعی شده‌است با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، وضعیت کیفیت زندگی در سطح شهر بیرجند که در سال‌های اخیر به عنوان مرکز استان خراسان جنوبی انتخاب شده‌است مورد ارزیابی قرار گیرد. با این هدف، نمونه‌ای به حجم ۲۷۱ خانوار از مناطق مختلف شهر انتخاب و اطلاعات به طریق میدانی و نظرسنجی گردآوری شد. در نهایت، اطلاعات گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS و روش‌های آماری، به خصوص همبستگی و رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که به طور کلی وضعیت کیفیت زندگی در ابعاد افقی و عمودی در کل شهر از حد متوسط پایین‌تر می‌باشد. با این وجود، مناطق شمالی وضعیت بسیار بدتر و نامناسب‌تری از مناطق جنوبی داشته و ضروری است که مسئولان شهر نه تنها به ارتقای کیفیت زندگی در کل سطح شهر اقدام نمایند، بلکه توجه اساسی‌تری به مناطق جنوبی داشته‌باشند. این پژوهش می‌تواند درک بهتری از نابرابری‌ها در کیفیت زندگی شهری ارائه داده و مبنای علمی مناسبی را برای سیاست‌گذاری‌های شهری بر اساس تنوع موجود و مبتنی بر نگاهی فراگیر ارائه کند.

کلید واژه‌ها: کیفیت زندگی، رضایتمندی، نیازسنجی، شهر بیرجند.

* نویسنده مسئول: r_saberifar@pnu.ac.ir

ارجاع به این مقاله: صابری فر، رستم. (۱۴۰۳). بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (نمونه موردی: شهر بیرجند). فصلنامه مطالعات توسعه‌یابار شهری و منطقه‌ای، ۵(۲)، ۱-۱۸.

مقدمه و بیان مسئله

علیرغم آن که مطالعات بسیاری در ارتباط با کیفیت زندگی صورت گرفته است؛ اما چالش‌ها و محدودیت‌های موجود در تحقیقات کیفیت زندگی کماکان باقی است. یکی از مهمترین مشکلات، نبود توافق کامل در ارتباط با تعریف این مقوله می‌باشد. علاوه بر آن، اغلب تحقیقات یکی از ابعاد کیفیت زندگی را مدنظر داشته و بعد عینی و یا ذهنی آن را جداگانه در کانون توجه قرار داده‌اند. حتی گروه‌هایی که به هر دو بعد نظر داشته‌اند، از این نکته غفلت کرده‌اند که در کنار بعد افقی (ابعاد ذهنی و عینی) به بعد عمودی هم توجه نمایند (گوپتا، ۲۰۲۴). در واقع، در ایران نمونه‌ای که به این مقوله توجه داشته باشد، یافت نشد و در بررسی‌های خارجی نیز اگر مطالعه‌ای به انجام رسیده، عمدتاً در حد نظری باقی مانده است (وس، گومز میرون، دلسانتو و تزورتزوپولوس، ۲۰۲۳). بنابراین، تا زمانی که این خلاء مرتفع نگردد، تحقیقات این حوزه کامل و دقیق نخواهد بود.

به‌طور کلی، از دهه ۱۹۳۰، تقریباً هر ساله بهترین شهرها به لحاظ کیفیت زندگی بر اساس شاخص‌های مختلفی چون ثبات، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، وضعیت فرهنگی، آموزشی، زیرساختی و ... انتخاب و معرفی می‌شوند. مطابق آخرین آمار منتشر شده توسط سازمان ملل متحد، شهر وین با شاخص کیفیت زندگی حدود ۹۹، در صدر شهرهای جهان قرار دارد. این در حالی است که در این فهرست تا ردیف‌های صدم، خبری از شهرهای جهان سوم و ایران نیست (گوپتا، ۲۰۲۴). علی‌رغم ارزشمندی چنین فعالیتی، تاکید بیشتر بر بعد افقی بوده و ابعاد عمودی در کانون توجه نمی‌باشد. این غفلت اگرچه در کشورهای غربی به دلیل فراهم بودن زیرساخت‌های اولیه اشکالات مشخصی ایجاد نمی‌کند، اما در کشورهای جهان سوم و از جمله ایران، حتی اگر فعالیتی به انجام برسد، راه به جایی نخواهد برد. این در حالی است که مدیران شهری سعی دارند با توجه به امکانات موجود، بهترین شرایط زندگی را برای شهروندان فراهم آورده و جایگاه بهتری در سطح جهان پیدا نمایند. اما توفیق چندانی در این حوزه حاصل نیامده است. این شرایط باعث می‌شود که مردم نه تنها اقدامات و فعالیت‌های مثبت و سازنده را نادیده بگیرند و به طرق مختلف اعتراض و شکایت خود را عنوان نمایند، بلکه مشارکت و تعامل چندانی با شهرداری و نهادهای مسئول نداشته‌باشند. در نتیجه، ضرورت دارد تا با اولویت‌بندی نیازها و مشکلات موجود، مدیریت اعتبارات، اجرای پروژه‌های عمرانی و ... ضمن تقلیل میزان شکایات، بالاترین سطح مشارکت زمینه‌سازی شود. به این منظور، مدیران شهری باید از ابزارها و معیارهای دقیق و هدفمندی بهره‌برداری کنند. در این راستا، تعیین کیفیت زندگی در شهر، بر اساس همه ابعاد، یکی از مهمترین معیارها در این زمینه به حساب می‌آید. چرا که از این طریق، مسئولان قادر خواهند بود تنگناهای اساسی و اولویت‌دار را معین سازند. روشن است که با حذف این تنگناها و ایجاد تغییرات مثبت در شهر و جنبه‌های مختلف زندگی و انتخاب توسعه مطلوب آن، نه تنها رضایتمندی مردم را در بالاترین سطح تامین می‌شود و تعلق آنها به مکان بیشتر می‌گردد، بلکه در تشخیص دلایل نارضایتی شهروندان و تعیین زمینه‌هایی که آنان به مشارکت در آن حوزه‌ها راغب هستند، گام‌های مثبتی برداشته می‌گردد. در واقع، در این شرایط، اداره شهر از حالت آکواریومی خارج شده و در قالب اکوسیستمی انجام خواهد شد. شرایطی که مردم خود هزینه‌های اداره شهر را تامین نموده و در حفظ و حراست تاسیسات و تجهیزات موجود نیز کوشا خواهند بود (صابری‌فر، ۱۴۰۲).

این مطالعه با مطرح کردن این فرض که با ارتقای وضعیت سیاسی بیرجند و انتخاب آن به عنوان مرکز استان، این شهر توانسته است کیفیت زندگی ساکنان خود را در سطح مطلوبی تامین نماید، آغاز شد. از آنجا که تعیین و یا رد این فرضیه ابعاد متعددی را شامل می‌شد، به دلیل تنگناهای خاص در این مرحله، تنها بخشی از آن مورد تاکید قرار گرفت و سعی شد با تعیین وضعیت کیفیت زندگی در بیرجند، سیمای کلی شهر مشخص شده و مناطق اولویت‌دار، تعیین گردد. با توجه به شرایط مورد اشاره، با بهره‌گیری از روش‌های مرسوم مطالعه کیفیت زندگی، دستیابی به این

¹. Gupta, 2024

¹. Wesz, Gomes Miron, Delsante & Tzortzopoulos, 2023

کاربرد شاخص‌های چند بعدی (افقی و عمودی) در بررسی کیفیت زندگی شهری

هدف ممکن نبود. بنابراین، در این بررسی برای اولین بار علاوه بر ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی، بعد عمودی هم به این مجموعه اضافه شد و همه موارد در کنار هم مدنظر قرار گرفت.

برای نیل به اهداف مورد اشاره، ضرورت داشت تا مروری سیستماتیک بر ادبیات این حوزه انجام گردد. این بررسی از آن جهت ضرورت دارد که به درک مفاهیم کیفیت زندگی و شناسایی ابعاد و شاخص‌های شهری کمک می‌کند. در نهایت از همین مسیر می‌توان به ارزیابی چند بعدی کیفیت زندگی شهری دست یافت. در واقع، این بررسی امکان می‌دهد به این پرسش اساسی پاسخ دهیم که چگونه می‌توان کیفیت زندگی را از طریق شاخص‌های شهری ارزیابی کرد؟

مبانی نظری

تاکنون تصور می‌شد که پیشرفت فناوری و توسعه اقتصادی، رفاه انسانی را ارتقا می‌بخشد. اما اکنون این ادعا تحت عنوان پارادوکس ثروت یا فراوانی^۱ شناخته شده و مورد تردید قرار گرفته است. به طوری که اکنون با یقین می‌توان عنوان کرد که این شاخص نمی‌تواند اصل موضوع را تبیین و تشریح نماید و ضرورت دارد که شاخص‌های دیگری مدنظر قرار گیرد تا بتواند وضعیت رفاهی شهروندان را مشخص کند. این ضرورت از آنجا ناشی شده است که اکنون سرعت رشد شهرنشینی در جهان به شدت بالاست و در برخی از کشورها از جمله ایران، این میزان به مرز ۸۰ درصد نزدیک شده است. در واقع، این جمعیت متمرکز یافته در سطح کوچکی از سرزمین، علاوه به نیازهای زیر ساختی، دچار تحول احساسی هم گردیده است و طالب خدمات بیشتر و با کیفیت‌تری می‌باشد. ظاهراً یکی از راهکارهایی که برای این منظور توصیه شده است، ارتقای کیفیت زندگی است (تاکانو، موریتا، ناکامورا، و توگاوا،^۲ ۲۰۲۳). در واقع، برای تحقق شهرهای پایدار که ضامن سطح مناسبی از عدالت در طی زمان بوده و هیچ‌کس از دسترسی به حداقل‌های زندگی محروم نباشد، شناخت تفاوت‌ها در شرایط و احساس ارزش‌های خاص هر کسی که در شهر زندگی می‌کند، ضروری است. دسترسی به چنین هدفی نیز بدون ارزیابی دقیق کیفیت زندگی شهروندان، غیر ممکن به نظر می‌رسد. چرا که کیفیت زندگی، مفهومی پیچیده و چند بعدی است که تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون زمان و مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد و از این رو، معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف مطرح می‌کند (کارکی،^۳ ۲۰۲۱). برخی آن را به عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، گروهی دیگر به عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و تعدادی هم به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند (اپلی و منون،^۴ ۲۰۰۸). از دید شالوک^۵ (۱۹۹۰)، کیفیت زندگی شامل ابعاد چون عزت نفس، امنیت روانی و فیزیکی، وضعیت زیبایی شناختی، استقلال، تعاملات اجتماعی، آسایش و راحتی محیطی است (تاکانوی و همکاران، ۲۰۲۳). گروهی نیز کیفیت زندگی را رابطه بین ادراکات فردی و احساسات مردم یا تجربه‌های آنها در درون فضایی که در آن زندگی می‌کنند (ویش،^۶ ۱۹۸۶: ۹۴) تعریف می‌کنند. به باور فول^۷ (۲۰۰۰)، کیفیت زندگی رضایت کلی فرد از زندگی است و وینستد^۸ (۱۹۸۵) معتقد است که کیفیت زندگی مفهومی بسیار ذهنی و شخصی است که معمولاً بر پایه خوشحالی و رضایت فرد با عواملی که بر رفاه اجتماعی، روانی، جسمی و عملکردی وی تأثیر می‌نهد، بنا می‌شود. داس^۹ (۲۰۰۸) آن را بهزیستی یا عدم بهزیستی مردم و محیط زندگی آنها می‌داند. به عقیده پسیون (۲۰۰۳)، کیفیت زندگی به طور کلی به وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند (نظیر آلودگی و کیفیت مسکن) و همچنین به برخی شرایط شخصی افراد (نظیر سلامت و میزان تحصیلات) اشاره دارد. بر این اساس، می‌توان کیفیت زندگی را به عنوان برهم کنش میان میزان برآورده شدن نیازهای

^۱. Paradox of Affluence

^۱. Takano, Morita, Nakamura & Togawa, 2023

^۱. Karki, 2021

^۱. Epley & Menon, 2008

^۲. Schalock

^۲. Wish, 1986

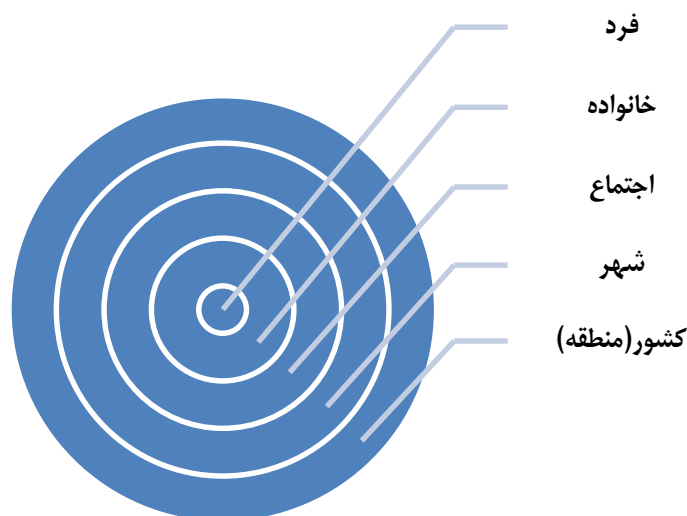
^۳. Foo

^۴. Winsted

^۵. Das

دوره ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۶، تابستان ۱۴۰۳

انسانی و رضایت افراد و گروه‌ها از نظر تأمین نیازهای خود در یک ناحیه خاص تعریف کرد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷). مطابق این تعریف، کیفیت زندگی سطوح متفاوتی دارد (شکل ۱) و هرچه از سطوح پایین‌تر به بالاتر می‌رسد، تأمین آن مشکل‌تر خواهد شد (مورگاس و کلوبوچنیک، ۲۰۱۸). بر این اساس، کیفیت زندگی شهری دربرگیرنده‌ی ابعادی روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را دربر می‌گیرد (نف، نف و کروتلی، ۲۰۲۳). علاوه بر ابعاد روانی، کیفیت زندگی همچنین دربرگیرنده‌ی ابعاد محیطی است که سنجه‌هایی همچون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی را در خود جای می‌دهد (سیف‌الدینی، ۱۳۸۱: ۳۷۵).



شکل ۱. سطوح کیفیت زندگی (مورگاس و کلوبوچنیک، ۲۰۱۸)

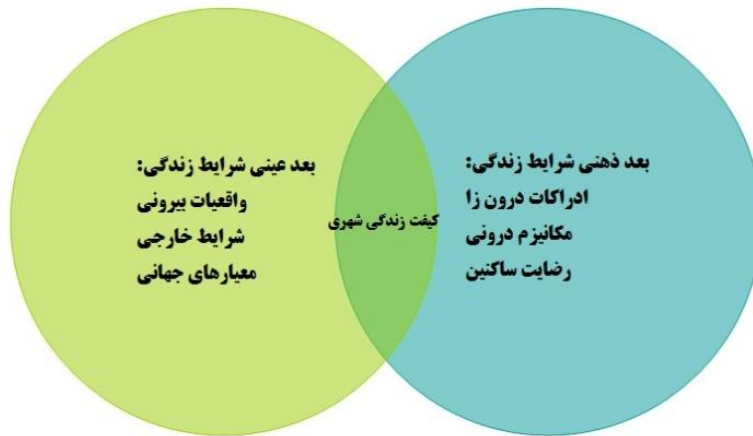
در واقع، دلیل اصلی توجه به این بعد آن است که محیط ساخته‌شده تأثیر زیادی بر پایداری جوامع و همچنین بر کیفیت زندگی افراد دارد (وس و همکاران، ۲۰۲۳). برخی نیز کیفیت زندگی را به عنوان میزان تأمین نیازهای انسان مورد هدف و در ارتباط با ادراک مردم از رفاه ذهنی تعریف می‌کنند (کوستانزا، ۲۰۰۷). در این معنا، محیط اجتماعی-فرهنگی و ویژگی‌های محیط ساخته‌شده بر درک مردم از کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد. کیفیت زندگی وقتی به عنوان یک مقوله در عرصه برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گرفت که این عرصه علمی رویکردی جدیدی را مد نظر قرار داد که بر آن اساس، برنامه‌ریزی شهری علاوه بر توجه به اهداف کالبدی و کارکردی، می‌باید به نیازهای کیفی و روانی مردم در محیط زندگی شهری مانند هویت اجتماعی، امنیت و رفاه، اشتغال پایدار، آسایش روانی، احساس زیبایی، همبستگی و تعلق اجتماعی و غیره، نیز پاسخ گوید (مهدیزاده، ۱۳۸۲: ۲۹۵-۲۹۱). در این نگاه، برنامه‌ریزان شهری مسئول مدیریت محیط شهری هستند (مک کریا، ۲۰۰۶) و مفهوم کیفیت زندگی در قالب شکل ۲، قابل ارائه است.

⁵. Murgas & Klobučnik, 2018

⁵. Nef, Nef, & Krutli, 2018

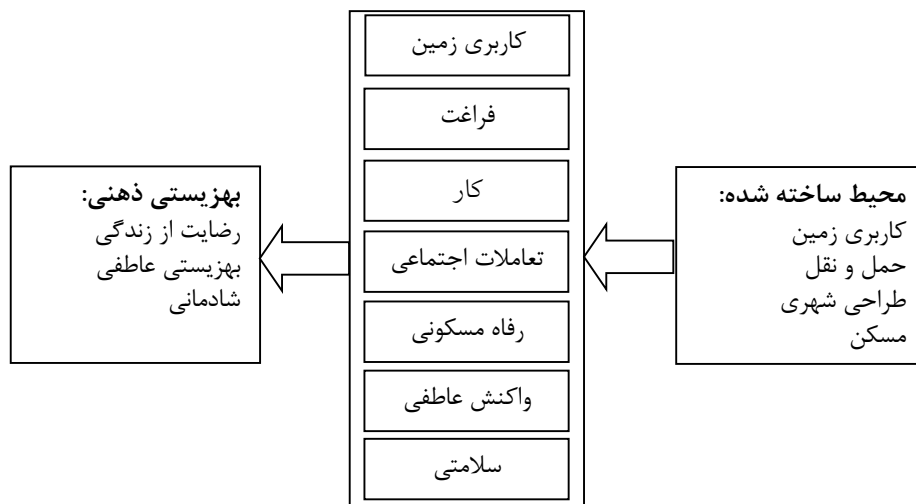
⁵. Costanza, 2007

⁵. McCrea, 2006



شکل ۲. مفهوم کیفیت زندگی در این مطالعه (نف همکاران، ۲۰۲۳)

مطابق شرح فوق، اگر مطالعات این حوزه به درستی و با جمیع ابعاد مورد توجه قرارگیرد، می‌تواند بسیاری از نابسامانی‌های موجود را مرتفع سازد. در حقیقت، خروجی مطالعات کیفیت زندگی شهری می‌تواند به عنوان اطلاعاتی برای بهبود برنامه‌ریزی و طراحی راهکارهایی که موجب ارتقای کیفیت زندگی ساکنان گردد، استفاده شود (شکل ۳).



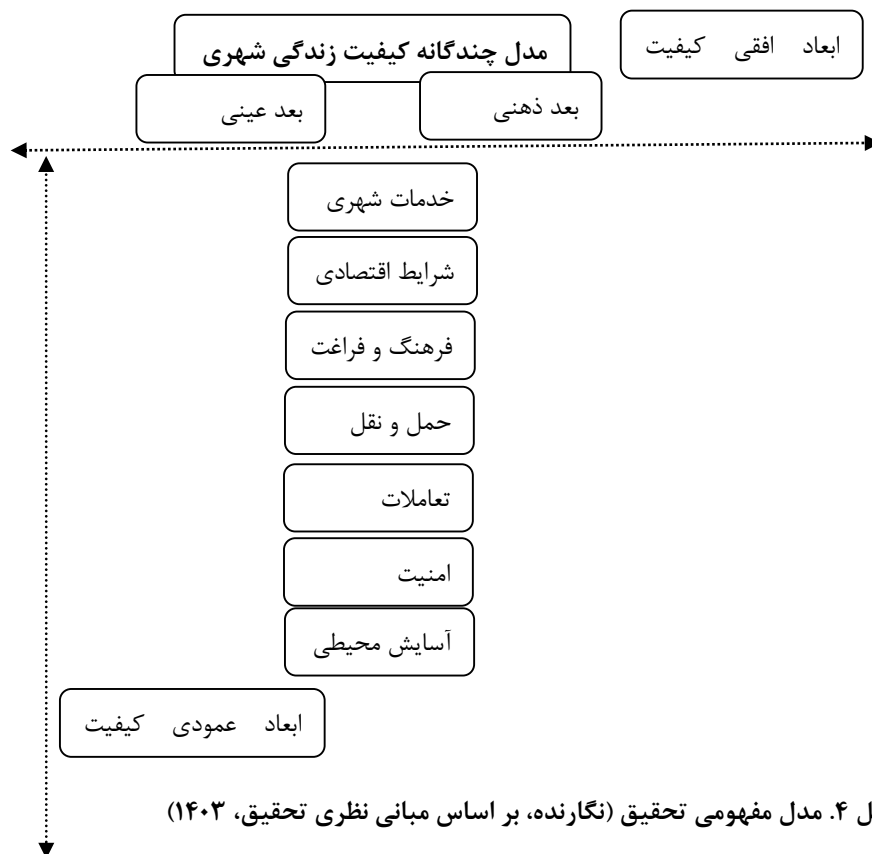
شکل ۳. کیفیت زندگی در قالب محیط ساخته شده، مولفه‌ها واسط و نهایتاً بهبودی ذهنی (اوجوا-ریکو، ریو، و رومرو-سویبا، ۲۰۲۴)

یکی دیگر از کاربردهای مطالعات مربوط به کیفیت زندگی، استفاده از این نتایج به عنوان اطلاعاتی برای کمک در زمینه تشخیص دلایل نارضایتی شهروندان و تعیین زمینه‌هایی که شهروندان به مشارکت در آن زمینه‌ها راغب هستند، می‌باشد. به هر حال، در دنیای کنونی، کیفیت زندگی نقش غیر قابل انکاری در سیاست‌گذاری، تامین نیازها و روابط بین آنها بر عهده گرفته است. همین نقش، باعث شده است که تکامل کیفیت زندگی به عنوان یک ابزار اندازه‌گیری، موفق به ایجاد ارتباط بین مطالعات اجتماعی و اقتصادی در منعکس کردن یک نگاه جامع به شرایط محیط واقعی که مردم در حال حاضر در آن زندگی می‌کنند، شود.

دوره ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۶، تابستان ۱۴۰۳

در این تحقیق برای ساخت چهار چوب مفهومی دقیق، ضمن بهره‌گیری از نقطه نظرات دانشمندان معرفی شده در طی مقاله، به طور اختصاصی از کارهای ترکسور^۱ و آتالیک^۲ (۲۰۰۱) و فو برای کیفیت مسکن؛ از تحقیقات داس (۲۰۰۸) و لی^۳ (۲۰۰۷)، برای کیفیت محیط ساخته شده؛ از پژوهش‌های سانتو^۴ و همکاران (۲۰۰۷)، آپاریه سیو و همکاران (۲۰۰۸) و ابراهیم^۵ و چانگ^۶ (۲۰۰۳) به منظور تعیین وضعیت امنیت و از بررسی‌های چانگ (۲۰۰۳)، برتون^۷ و همکاران (۲۰۰۸)، ابراهیم و چانگ (۲۰۰۳) و ترکسور و آتالیک، به ترتیب برای دسترسی، روابط اجتماعی و بهداشت بهره‌گیری شده‌است.

همان‌طور که از این مختصر بر می‌آید، مطالعات صورت گرفته تاکنون تنها بخش‌های خاصی از مقوله کیفیت زندگی را مدنظر داشته‌اند. این در حالی است که همه افرادی که به این قلمرو وارد شده‌اند، اعتراف کرده‌اند که کیفیت زندگی یک مفهوم چند بعدی است و از آنجایی که یک مفهوم پیچیده است، ساختار چند بعدی برای اندازه‌گیری و سنجش آن نه تنها سودمند، بلکه ضروری است. مطابق شرح ارائه شده، مدل مفهومی تحقیق کنونی را می‌توان به صورت شکل ۴ ارائه داد.



شکل ۴. مدل مفهومی تحقیق (نگارنده، بر اساس مبانی نظری تحقیق، ۱۴۰۳)

1. Turksever
2. Atalik
3. Lee, 2008
4. Santo
5. Ibrahim
6. Chung
7. Bereton

پیشینه پژوهش

مطالعات و تحقیقات مربوط به کیفیت زندگی، زیاد و پرتکرار بوده، ولی اغلب روش‌ها و الگوهای مورد توجه یک‌سان و مشابه به نظر می‌رسد و به همین دلیل، کمتر به شیوه‌های نوآورانه‌ای اشاره داشته‌اند. به عنوان مثال، علی‌رغم آن که همگان اذعان می‌دارند که کیفیت زندگی شهری جنبه‌های عینی و ذهنی را توأمان شامل می‌شود، تحقیقات کمی وجود دارد که هر دو رویکرد را برای اندازه‌گیری این مقوله ترکیب کرده باشند. این در حالی است که تلاش برای شناخت این ابعاد از حدود دهه ۳۰ میلادی آغاز گردیده است. البته در سالهای اخیر، این روند اندکی تغییر یافته و در تحقیقات جدید، ابعاد بیشتری و اساسی‌تری مدنظر بوده است. به عنوان مثال، اوچوا-ریکو و همکاران (۲۰۲۴)، در بررسی خود علاوه بر توجه به ابعاد ذهنی و عینی، نشان دادند که هنوز هم بایستی ابعاد جدیدی مدنظر قرار گیرد تا بتواند زوایای بیشتری از زندگی انسان را مشخص سازد. در همین سال، گوپتا (۲۰۲۴)، روش‌های دسته‌بندی شهرهایی که دارای کیفیت زندگی بالایی هستند را مشخص کرد. در ادامه نف همکاران (۲۰۲۳)، توجه به شاخص‌هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را برای تعیین کیفیت زندگی، ضروری قلمداد کردند. در ادامه وس و همکاران (۲۰۲۳) مشخص ساختند که در مبحث کیفیت زندگی، تنها شرایط محلی و بومی مدنظر نبوده، بلکه شرایط سایر مناطق نیز مهم است. چرا که در بسیاری از موارد، ساکنین، زمانی شرایط خود را بالاتر یا پایین‌تر ارزیابی می‌کنند که از شرایط مناطق اطلاع داشته باشند.

مطالعات کارکی (۲۰۲۱)، از آن جهت در بررسی‌های مربوط به کیفیت زندگی اهمیت یافت که او مقولاتی چون زمان و مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی را وارد این قلمرو کرد. قبل از آن مورگاس و کلوبوچنیک (۲۰۱۸)، نشان دادند که کیفیت زندگی سطوح متفاوتی دارد و اگر در زمان و مکان مناسب ضرورت‌های هر سطح تامین نشود، پیگیری و تامین آنها در سطوح بالاتر سخت‌تر و هزینه‌برتر خواهد شد. لی در زمانی که هنوز حوزه مطالعات کیفیت زندگی گسترش چندانی پیدا نکرده بود، لی (۲۰۰۸)، تاکید داشت که تنها روش تعیین کیفیت زندگی، پرسش مستقیم و تعیین سطح ادراک مردم از زندگی‌شان می‌باشد. فیلیپس (۲۰۰۶)، کتاب خود با عنوان «مفهوم کیفیت زندگی: سیاست و اقدام» را منتشر نمود و در آن راهکارهای اجرایی برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان را مورد توجه قرارداد. در سال ۲۰۰۵ پال^۲ و کمار^۳ حوزه مطالعات کیفیت زندگی را توسعه داده و آن را به محیط‌های روستایی نیز وارد کردند و در مطالعه‌ای با عنوان «مفهوم کیفیت زندگی برای ارزیابی توسعه اجتماعی جوامع روستایی»، نگاه انحصاری به مبحث کیفیت زندگی را از بین بردند.

پسیون^۴ در سال ۲۰۰۳ در مطالعه‌ای با عنوان «کیفیت محیط زیست شهری و بهزیستی انسان» نگاهی جغرافیایی، اجتماعی و روانشناختی را در این حوزه مطرح کرد. به همین دلیل در این دوره برامستون^۵ (۲۰۰۲) تاکید بیش از حد بر شاخص‌های عینی را گمراه‌کننده تلقی کرده و بهره‌گیری از شاخص‌های ذهنی برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی را مورد تاکید قرار داد.

فون^۶ (۲۰۰۰)، در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۷ به مطالعه کیفیت زندگی شهری در سنگاپور اقدام کرد و عملاً این حوزه علمی را به مطالعات شهری وارد نمود. یک سال بعد، هاگرتی^۶ و همکاران (۲۰۰۱) شاخص‌های تعیین وضعیت کیفیت زندگی را عرضه کرده و در مطالعات خود هفت قلمرو مختلف را برای سنجش کیفیت زندگی مطرح کردند. در سال ۲۰۰۲، ما سام در مطالعه‌ای با عنوان «برنامه‌ریزی کیفیت زندگی در بخش عمومی و خصوصی»، این حوزه مطالعاتی را ضرورتی غیر قابل انکار در جریان برنامه‌ریزی معرفی نمود.

^۵. Pilips

^۳. Pal

^۴. Kumar

^۱. Pacione

^۲. Bramston

^۶. Hagerty

دوره ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۶، تابستان ۱۴۰۳

در سال ۱۹۹۴، پارس در مطالعه‌ای با عنوان «کیفیت زندگی»، به نقش علم به عنوان هنر انسانی زندگی کردن پرداخت و ارتقای کیفیت زندگی را به بهبود شرایط علمی و فرهنگی جامعه مرتبط ساخت. در همین سال، گریسون و یانگ در کتاب خود با عنوان «کیفیت زندگی در شهرها»، ادبیات مرتبط با کیفیت زندگی را به خوبی تشریح کردند و از این طریق، به غنای مطالعاتی این حوزه همت گماردند. در مطالعات بعدی، کیفیت زندگی به سطح خوشحالی و رضایتمندی از زندگی، رضایت از خود و احساس فردی بهتر زیستن مرتبط شد. این روند باعث گردید که در همایش اسکاپ (۱۹۹۸) رویکردی رفاهی در پیش گرفته شده و کیفیت زندگی معادل با ریشه‌کنی فقر و بهبود استانداردهای زندگی تعریف گردد.

در این حوزه منتشر می‌شود که بررسی و معرفی همه آنها در این مختصر نمی‌گنجد. حتی در تحقیقات اخیر نیز ابعاد عینی و ذهنی به‌طور همزمان، چندان مدنظر نبوده است. به عنوان مثال، اسمیت در سال ۱۹۷۳، به تحلیل شیوه‌های مختلفی که در مطالعات پراکنده برای سنجش سطح زندگی مطرح بود، اقدام نمود و از این طریق مشخص کرد که در مطالعات کیفیت زندگی در کشورهای مختلف بیشتر از این شاخص‌ها بهره‌برداری می‌شود:

(۱) درآمد، ثروت و کار؛

(۲) محیط؛

(۳) سلامت؛

(۴) آموزش؛

(۵) مشارکت و

(۶) ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر جرم و جنایت.

میلز (۱۹۸۵) که در شمار اولین کسانی بود که به مبحث کیفیت زندگی پرداخت، نشان داد که اصطلاح کیفیت زندگی معمولاً یا به عنوان برآوردهای ذهنی رضایتمندی و بهزیستی توصیف می‌شود و یا به عنوان مجموعه‌ای از ستانده‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی مد نظر قرار می‌گیرد که افراد یا گروه‌ها به دست می‌آورند.

در ایران، مبحث مطالعات مربوط به کیفیت زندگی، قدمت چندانی ندارد. اولین مطالعات در این ارتباط در حوزه‌های پزشکی مورد توجه قرار داشت و تا سالها، سایر محققین ورود چندانی به این مبحث نداشتند. به هر حال، مطالعاتی که به طور خاص شهر و کیفیت زندگی آن را مورد بررسی قرار داده و تا حدودی نزدیک به حوزه مورد توجه این مطالعه می‌باشند، از حدود ۲۰ سال قبل آغاز گردیده است. به عنوان مثال، شاید اولین بار چنین عنوانی در کارهای خوارزمی (۱۳۸۳) مطرح گردید. این محقق از جمله کسانی بود که توجه به شاخص‌های ذهنی را در بررسی مباحث مربوط به کیفیت زندگی مطرح کرد. وی در مطالعه خود عنوان داشت که شاخص‌های ذهنی بر اساس پاسخ‌های روانی مانند رضایت شغلی و خوشحالی در میان دیگران، مورد اندازه‌گیری و سنجش قرار می‌گیرند. در ادامه، کرد زنگنه (۱۳۸۵)، برای اجرای عملیاتی یک تحقیق میدانی نسبت به معرفی شاخص‌ها و معیارهای مورد استفاده در این باره اقدام نمود و بیان داشت که الگوها یا مدل‌های ساختاری گوناگونی برای تشریح این موضوع که چگونه افراد قلمروهای مختلف رضایتمندی را برای احساس کلی از کیفیت زندگی با هم در می‌آمیزند، وجود دارد.

در سال ۱۳۸۶، امیدی در مطالعات خود عنوان نمود که در این حوزه توجه به عاملان، فرایندها، موقعیت‌ها و یا ساختارها، ضرورت دارد و این موارد تنها در انحصار یک رشته خاص علمی نیست. به این ترتیب، توجه به علوم

³. Parse

⁴. Grayson

⁵. Young

¹. Smith

². Miles

کاربرد شاخص‌های چند بعدی (افقی و عمودی) در بررسی کیفیت زندگی شهری

بین‌الشته‌ای در این حوزه علمی، مورد تاکید قرار گرفت. یک سال بعد، مطالعات مربوط به کیفیت زندگی به حوزه‌های روستایی نیز وارد شد و رضوانی و همکاران در دو مطالعه جداگانه (۱۳۸۷ و ۱۳۸۷)، وضعیت کیفیت زندگی در مناطق روستایی و شاخص‌ها و معیارهای سنجش این حوزه مطالعاتی را مورد توجه قرار دادند. این روند تا سالهای اخیر نیز ادامه داشته (سعیدی و همکاران، ۱۴۰۳) و همان‌طور که بیان شد، بررسی همه آنها در این مختصر نمی‌گنجد. نکته قابل توجه این مطالعات آن است که اغلب آنها اگرچه نسبت به بررسی کیفیت زندگی اقدام نموده‌اند، اولاً اصلاً به شاخص‌های عمودی توجه نداشته‌اند و کمتر هم به اولویت‌بندی مناطق خاص توجه کرده‌اند. بنابراین، کماکان به این پرسش اساسی پاسخ گفته نشده است که چگونه می‌توان کیفیت زندگی را از طریق شاخص‌های شهری مورد ارزیابی قرار داد؟ این مطالعه با انتخاب یک شهر که در سال‌های اخیر پیشرفت‌های سیاسی و اقتصادی متعددی را شاهد بوده و طبق ادعای مسئولین تحولات مثبتی را دریافت نموده است، سعی داشت، ضمن توجه به هر دو بخش ابعاد افقی و عمودی کیفیت و آشکارسازی وضعیت این مولفه‌ها را در سطح شهر ارزیابی نموده و مناطق اولویت‌دار و حساس‌تر را به مسئولین معرفی کند. بدون شک، یافته‌های این تحقیق خواهد توانست چشم‌انداز روشن‌تری را برای برنامه‌ریزی و اجرای اقدامات عملی فراهم آورد.

محدوده مورد مطالعه

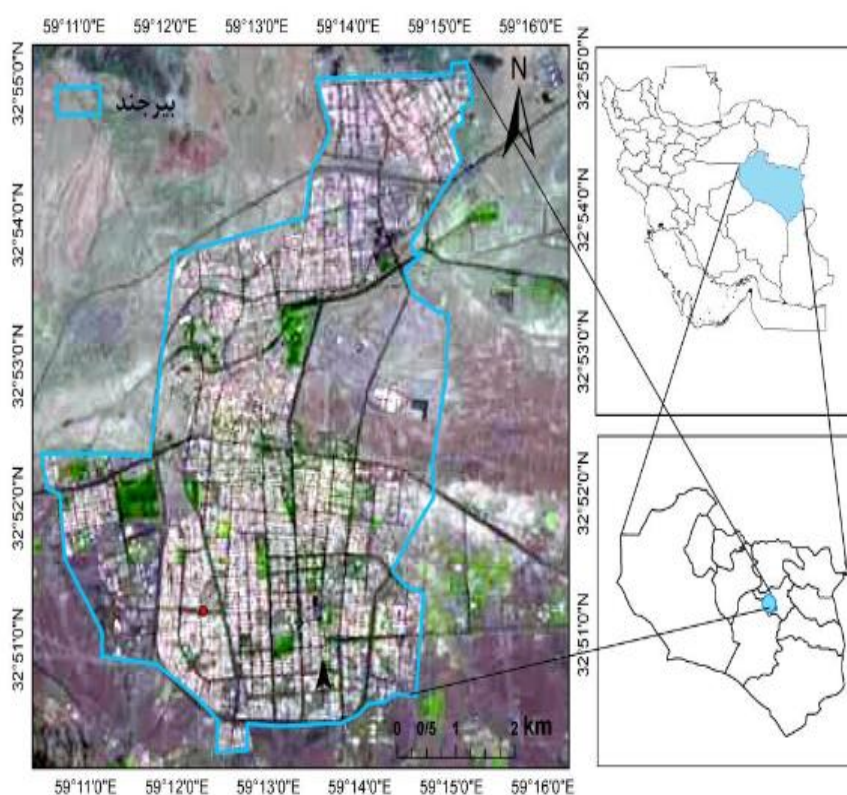
بیرجند در ارتفاع ۱۴۸۰ متری از سطح دریا و در حدود ۵۰۵ کیلومتری جنوب شهر مشهد قرار دارد (وزارت دفاع، ۱۳۶۳: ۳۶-۳۷). از نظر اقتصادی و اجتماعی، مهمترین شهر استان خراسان جنوبی و مرکز این استان است. بیرجند در محل تلاقی شیب دامنه کوه‌های شکراب در شمال و باقران در جنوب، بر بستری ناهموار که در جهات مختلف شیب متفاوتی دارد، قرار گرفته است. مهمترین عوارض طبیعی که توپوگرافی بستر شهر را تحت تاثیر قرار می‌دهند عبارتند از: تپه ماهورهای بافت قدیم و بخش شمال شهر و دو مسیل شمالی (کبوترخان) و مرکزی (پل باغ) که عملاً شهر را به سه بخش شمالی، میانی و جنوبی تقسیم کرده‌اند و مسیل سجاد شهر که در جنوب غربی شهر واقع شده و تا مدتی مانع توسعه شهر به این طرف بود (شکل ۵). چنانچه مقطعی از گستره شهر در جهت شمالی- جنوبی تهیه نماییم، کاملاً مشخص می‌شود که شهر بر بستری ناهموار و با جهات شیب ناهمسان واقع شده است (مرادی، ۱۳۷۲: ۲۶). همین شرایط در استقرار گروه‌های جمعیتی در شهر اثرگذار بوده و در واقع، اولین عامل در شکل‌گیری کیفیات مختلف زندگی در شهر تلقی می‌شود.

تفکیک و جدایی‌گزینی طبیعی و اولیه مردم باعث شده است که توجه و سعی مدیران و برنامه‌ریزان نیز عمدتاً به بخش‌هایی جلب شود که از قبل نیز شرایط بهتری داشته‌اند و همین امر زمینه افزایش اختلاف و تضاد مناطق مختلف شهر را باعث گردیده است. این شرایط در سال‌های اخیر که این شهر تحولات جمعیتی مهم و غیر قابل باوری را تجربه کرده است، بیشتر شده است. به طوری که جمعیت این شهر در طی قریب به ۶۰ سال از حدود ۱۴ هزار نفر (۱۳۳۵) به ۲۰۰ هزار نفر (۱۳۹۵) رسیده است. افزایش لجام گسیخته جمعیت باعث شده است که تضادهای موجود جدی‌تر شده و مشکلاتی را برای اداره شهر به وجود آورد. به همین دلیل، این بررسی در نظر داشت بخشی از این مشکلات را در قالب وضعیت کیفیت زندگی مورد بحث و بررسی قرار دهد.

روش تحقیق

به منظور دستیابی به اهداف کاربردی، تحقیق حاضر به شیوه توصیفی- تحلیلی به انجام رسید و از نظر هدف در شمار گروه تحقیقات میدانی طبقه‌بندی می‌گردد. به این منظور، از بلوک‌های اصلی شهر بیرجند، ۲۷۱ خانوار به صورت تصادفی ساده انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. با توجه به این که بررسی کیفیت زندگی به دو روش تعیین شاخص‌های عینی و ذهنی انجام می‌شود. شاخص‌های عینی، شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی قابل سنجش برای انعکاس میزان تأمین نیازهای انسانی هستند که با استفاده از گزارش‌ها و آمارهای رسمی حاصل می‌شوند. این شاخص‌ها

دوره ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۶، تابستان ۱۴۰۳
 وضعیت ظاهری و ملموس زندگی را نشان می‌دهند. از آنجا که دسترسی به آمارهای حوزه‌های آماری به دلایل مختلف امکان‌پذیر نبودند، این آمار نیز اغلب با پرسشگری به دست آمد. سایر مشخصه‌های فردی انتخاب شده از قبیل وضعیت اشتغال، سطح تحصیل و... با استفاده از روش زبردست (۲۰۰۹) تبدیل به امتیاز مابین ۰ تا ۱۰ شدند. متغیرهای استفاده شده در سنجش کیفیت زندگی براساس گروه‌بندی و امتیاز هر کدام و منبع استخراج داده‌های آنها در جدول شماره ۱ آورده شده‌است. امتیاز نهایی از طریق روش بی‌مقیاس‌سازی بدست‌آمد (بکر^۱، ۲۰۰۰) و نشانگر کیفیت عینی زندگی بود. برای آن که این امتیازات قابل قیاس باشند، از استاندارد ۱ تا ۵ بهره‌گیری شد. به این نحو که ۵ بالاترین امتیاز کیفیت زندگی عینی و ۱ کمترین امتیاز را نشان می‌داد.



شکل ۵. موقعیت شهر بیرجند در ایران و استان خراسان جنوبی (نگارنده، بر اساس تصاویر گوگل میپ، ۱۴۰۳)

شاخص‌های ذهنی نشاگر سطح رضایت افراد و گروه‌ها است و معمولاً از این شاخص‌ها با عنوان بهزیستی ذهنی یاد می‌شود (کوستانزا^۲؛ ۲۰۰۷: ۲۶۸). در این روش، چون کیفیت امری ذهنی تلقی می‌شود، بنابراین، تنها روش تعیین کیفیت زندگی، پرسش مستقیم و تعیین سطح ادراک مردم از زندگی‌شان می‌باشد (لی، ۲۰۰۸). به همین دلیل، در این تحقیق نیز از این روش استفاده شد. شاخص‌هایی که به این ترتیب به دست آمدند، مکمل متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی‌اند و شاید بهترین معیارها برای تعیین نوع احساس و نگرشی هستند که هر فرد نسبت به محیط

^۱. Zebardast
^۱. Becker, 2000
^۲. Costanza, 2007

کاربرد شاخص‌های چند بعدی (افقی و عمودی) در بررسی کیفیت زندگی شهری

زندگی خود دارد. برای به دست آوردن نتایج مناسب از این بخش، پرسشنامه‌های تنظیم شده از نظر روایی و پایایی مورد بررسی قرار گرفته و تایید شدند.

در بخش ابعاد عمودی نیز، ابتدا شاخص‌های این بخش معین گردید و برای هر یک از شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها، چک لیست‌هایی تهیه و با مشاهدات میدانی و وضعیت هر یک از بخش‌های شهر به خصوص بلوک‌هایی که نمونه‌های اصلی برای تکمیل پرسشنامه گزینش شده بودند، ارزیابی شد. چون در بخش یافته‌ها ریز عملیات انجام شده، تشریح گردیده است. از توضیح و تفصیل شیوه کار در این بخش خودداری شده است. داده‌های گردآوری شده در بررسی با استفاده از نرم افزار SPSS و روش‌های آماری، به خصوص همبستگی و رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول شماره ۱. مولفه‌ها و میزان امتیاز معیارهای کیفیت زندگی عینی

منبع استخراج اطلاعات	امتیاز	طبقات	متغیر عینی
پرسشنامه	۵	شاغل	وضعیت اشتغال
	۱	بیکار	
سرشماری	۵	۱ تا ۲	بعد خانوار
	۳	۳ تا ۴	
پرسشنامه	۱	بیشتر از ۴	سطح تحصیلات
	۲	دیپلم و زیر دیپلم	
	۳	فوق دیپلم	
	۵	کارشناسی	
پرسشنامه	۵	بالای کارشناسی	هزینه ی خانوار
	۳	زیر ۵ میلیون	
	۲	بین ۵ تا ۱۰	
	۱	بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون	
پرسشنامه	۱	بالای ۱۵ میلیون	تعداد اتاق
	۳	۱ اتاق	
	۵	۲ و ۳ اتاق	
پرسشنامه	۵	بیشتر از ۳ اتاق	مالکیت مسکن
	۳	خصوصی	
	۱	رهن	
مشاهده میدانی	۱	اجاره	سن ساختمان
	۵	کمتر از ۱۰ سال	
	۳	۱۰ تا ۳۰ سال	
مشاهده میدانی	۱	بالاتر از ۳۰ سال	وضعیت اسکلت ساختمان
	۵	بتونی و یا فلزی	
مشاهده میدانی	۱	فاقد اسکلت	

تجزیه و تحلیل داده‌ها

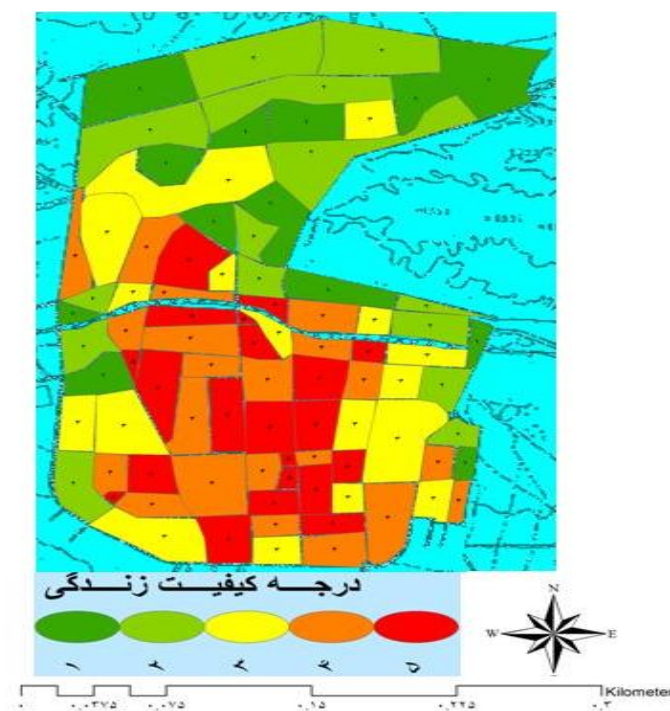
بررسی‌های انجام گرفته بر روی داده‌های گردآوری شده نشان می‌دهد که پارامترهای بررسی شده در این تحقیق به صورت تصادفی در سطح شهر پراکنده نشده‌اند و معمولاً اغلب یا اکثر عناصر و مولفه‌هایی که با زندگی مناسب هماهنگی دارند، در بخش یا بخش‌های معینی از شهر تمرکز پیدا کرده‌اند. با این وجود، اساساً وضعیت کیفیت زندگی ذهنی شهر بیرجند به طور کل در شرایط مناسبی قرار ندارد. به عبارت دیگر، اگر حد متوسط یا میانه نظری کیفیت

دوره ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۶، تابستان ۱۴۰۳

زندگی را ۳ در نظر بگیریم، این شهر نمره قابل قبولی در این زمینه به دست نمی‌آورد. چرا که محاسبات انجام شده این میزان را برای کل شهر در حد ۲/۵ نشان می‌دهد. این در حالی است که این شرایط برای تمامی مولفه‌های مورد بررسی و همه مناطق شهر یکسان نمی‌باشد (شکل ۶). به عنوان مثال، کیفیت زندگی از بعد ذهنی در ارتباط با وضعیت مسکونی نشان می‌دهد که این شرایط در حد مناسبی قرار ندارد. تفکیک اجزای این مجموعه نیز نشانگر تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای می‌باشد (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲. میزان اهمیت و اولویت معیارها و زیر معیارهای کیفیت زندگی ذهنی.

عوامل	ضریب بتا	میزان رضایتمندی	مولفه‌ها	ضریب بتا	میزان رضایتمندی
رضایتمندی از مسکن	۰/۶۱۵	۲/۹۵	هزینه	۰/۳۴۸	۳/۱۳
			تسهیلات	۰/۵۸۳	۲/۵۹
			محیط داخلی	۰/۶۱۲	۳/۱۳
رضایتمندی از محله	۰/۵۴۳	۲/۰۵	دسترسی	۰/۲۸۱	۳/۱۰
			فضاها	۰/۱۹۲	۱/۶۰
			خدمات عمومی	۰/۱۹۳	۱/۷۰
			تعاملات	۰/۲۷۸	۱/۹۵
			امنیت	۰/۲۴۳	۲/۰۵
		بهداشت	۰/۲۰۴	۱/۸۹	



شکل ۶. وضعیت کلی کیفیت زندگی در شهر بیرجند

کاربرد شاخص‌های چند بعدی (افقی و عمودی) در بررسی کیفیت زندگی شهری

به طور کلی، میزان رضایت‌مندی از محله، پایین‌تر از مسکن می‌باشد. یعنی میزان محاسبه شده برای محله‌ها (۲/۰۵) در حد پایین‌تری از شرایط مسکونی (۲/۹۵) است. بررسی‌های تفصیلی‌تر نشان می‌دهد که اگر معیارهای رضایت‌مندی از محله مسکونی و وضعیت مورد استفاده را بر اساس متغیرهای مختلف با استفاده از تحلیل رگرسیون مورد بررسی قرار دهیم، مشخص می‌گردد که بر این اساس، ضریب بتای محاسبه شده برای رضایت‌مندی از مسکن در حد ۰/۶۱۳ و برای محله در حد ۰/۲۸۱ می‌باشد. این محاسبات نشان می‌دهد که معیار رضایت‌مندی مسکن از اهمیت بیشتری نسبت به رضایت‌مندی از محله برخوردار می‌باشد. این در حالی است که اساساً بین رضایت‌مندی از محله و مسکن مورد استفاده، همبستگی وجود دارد. به طوری که محاسبات انجام شده در این ارتباط نشان می‌دهد که میزان همبستگی بین رضایت‌مندی از محله و رضایت‌مندی از مسکن ۰/۱۹۰ بوده و نوع رابطه نیز مستقیم می‌باشد و در حد ۹۵ درصد معنادار است.

توزیع فضایی کیفیت زندگی در بعد ذهنی در سطح شهر نشان می‌دهد که هرچه از جنوب شهر به سمت شمال حرکت کنیم، میزان رضایت‌مندی کاهش می‌یابد. این در حالی است که اگر این شرایط را برای محله و مسکن به طور مجزا مورد بررسی قرار دهیم، وضعیت تفاوت معناداری نداشته و همچنان شرایط مناطق جنوبی شهر، بهتر از بخش شمالی که اغلب در تصرف گروه‌های فقیر و حاشیه‌نشین شهر قرار دارد، می‌باشد. بررسی وضعیت کیفیت زندگی عینی نیز تفاوت چندانی با کیفیت ذهنی ندارد.

به طور کلی، محاسبات انجام شده نشان می‌دهد که کیفیت زندگی عینی برای شهر بیرجند ۲/۵۴ می‌باشد. این معیار نیز نشان می‌دهد که وضعیت این شهر در شرایط مناسبی قرار ندارد و فاصله نسبتاً زیادی با مقادیر متوسط دارد. برای این که نقش معیارهای مورد بررسی در این بین بیشتر مشخص شود، محاسبات آماری متعددی به انجام رسید که تنها به تعداد معدودی از آنها اشاره می‌شود. مهمترین معیاری که در ابتدا مورد بررسی قرار گرفت، وضعیت بنای مسکونی از نظر سازه‌ای بود. به این منظور از معادلات مربوط به رگرسیون چندگانه بهره‌برداری شد. محاسبات نشان داد که وضعیت سازه‌ای مسکن از جمله موثرترین معیارهای تاثیرگذار بر کیفیت زندگی عینی در شهر بیرجند به حساب می‌آید. به طوری که ضریب بتای محاسبه شده برای آن برابر ۰/۴۰۵ است. توزیع فضایی این شرایط در سطح شهر نشان می‌دهد که شرایط نامناسب کیفیت زندگی عینی در قسمت شمال و به خصوص شمال شرق بیشتر از سایر محدوده‌ها بوده و هر چه از این مناطق به سمت مناطق مرکزی و به خصوص بخش جنوبی شهر نزدیک می‌شویم، شرایط بهتر می‌باشد. نوساز بودن مساکن بخش جنوبی، اصالت مساکن بخش مرکزی شهر و تجمع گروه‌های فقیر و وجود هسته‌های روستایی در بخش‌های شمالی از جمله دلایل این نوع از توزیع در سطح شهر می‌باشد. با وجود آن که در پاره‌ای از مناطق مرکزی با پلاک‌های ریزدانه‌ای مواجه هستیم، اما پایین بودن تراکم در چنین پلاک‌هایی باعث شده‌است که این مناطق در مقایسه با پلاک‌های مشابه در بخش شمالی، شرایط بهتر و مناسب‌تری را عرضه نمایند.

وقتی هر دو بعد کیفیت زندگی یعنی ابعاد عینی و ذهنی را با هم مد نظر قرار می‌دهیم نیز شرایط چندان مطلوبی به دست نمی‌آید. به طور کلی، در محدوده مورد مطالعه این میزان حدود ۲/۵۲ می‌باشد که باز هم کمتر از میزان متوسط است. برای آن که اولویت هر یک از دو بعد در این زمینه بهتر مشخص گردد، محاسبات دیگری نیز در این زمینه مورد توجه قرار گرفت. به عنوان مثال، براساس نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه، اولویت اول در تشکیل کیفیت زندگی (عینی-ذهنی) با کیفیت عینی است که ضریب بتای آن برابر ۰/۶۲۹ محاسبه شده‌است و این مقدار برای کیفیت زندگی ذهنی برابر ۰/۳۶۶ می‌باشد. در عین حال، این دو کیفیت با یکدیگر در ارتباط بوده و تغییر یکی از آنها، بر دیگری تاثیرگذار است. به طوری که بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون، همبستگی کیفیت زندگی عینی و ذهنی اثبات شده و مقدار آن حدود ۰/۵۵۱ می‌باشد و این مقدار در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است.

مطابق مدل مفهومی، برای بعد عمودی کیفیت زندگی تلاش شد تا تمام پارامترهای این حوزه یعنی خدمات شهری، شرایط اقتصادی، فرهنگ و فراغت، حمل و نقل، تعاملات اجتماعی، امنیت و آسایش محیطی به صورت عینی و نظرسنجی برآورد گردد. برای این منظور، در هر بخش، مقولات مشخصی مدنظر قرار گرفت تا بتواند سیمای کلی شهر

دوره ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۶، تابستان ۱۴۰۳

را به درستی مشخص نماید. به این منظور، در هر بخش مولفه‌های کلی زیر مورد توجه قرار گرفته و در چک لیست مربوطه، ارزیابی شد:

خدمات شهری: زباله جامد، آب و فاضلاب، انرژی، مخابرات و نوآوری، بهداشت و آموزش.

شرایط اقتصادی: اشتغال، هزینه‌های زندگی و فعالیت‌های اقتصادی و گردشگری.

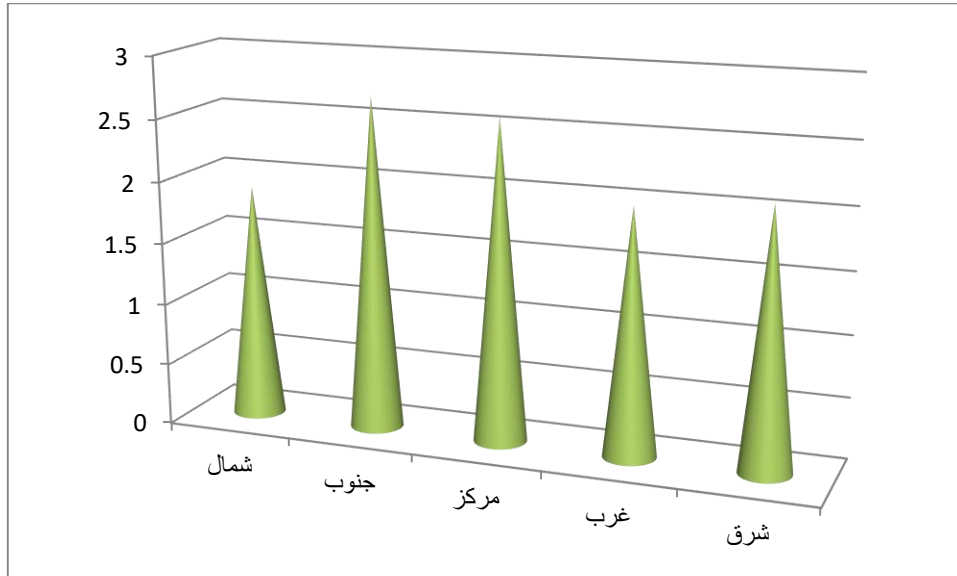
فرهنگ و فراغت: مناطق سبز، فرصت‌هایی برای شرکت در اوقات فراغت، ورزش و فعالیت‌های فرهنگی.

حمل و نقل: تمامی وسایل حمل و نقل عمومی و شخصی و به طور کل سهولت دسترسی.

تعاملات اجتماعی: رعایت احترام و همزیستی مناسب و مشارکت در فعالیت‌های مختلف.

امنیت: ایمنی، میزان وقوع جرم، وجود پلیس و روشنایی عمومی.

مطابق دسته‌بندی فوق، برای تعیین وضعیت کیفیت زندگی بر اساس بعد عمودی، ۷ شاخص اساسی مورد نیاز است که هر یک زیرشاخص‌های متعددی دارد و در این مطالعه برای هر شاخص تعداد اندکی از آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در عالم واقع، ابعاد عمودی کیفیت زندگی شهری را نمی‌توان به طور مستقل مورد ارزیابی قرار داد. چرا که ابعاد عمودی بایستی از طریق ابعاد افقی یعنی به صورت عینی و ذهنی ارزیابی شوند. اما در این بخش، اولویت و ترتیب حضور زیرساخت‌ها و پارامترهای تامین‌کننده کیفیت زندگی اهمیت دارد. به بیان دیگر، برخی از ابعاد چنان اهمیت دارند که اگر در بخشی حضور نداشته باشند، سایر عوامل کارکردی دقیق و کامل خود ایفا نمی‌کنند. به جهت آن که دید کلی از این شرایط به دست آید، این بخش هم به قسمت نتایج اضافه گردید تا شمای دقیق‌تری از وضعیت شهر مورد مطالعه در این حوزه حاصل آید. در واقع، مطابق همین شاخص‌ها، محلات نمونه بر اساس مشاهدات میدانی و نظرسنجی مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفتند. مطابق این بررسی، در این بخش نیز مناطق شمالی و حاشیه‌های غربی و شرقی شرایط نامناسب‌تری از بخش‌های جنوبی داشتند (شکل ۷). همانطور که پیش از این بیان شد، برخی از شاخص‌ها اهمیت و جایگاه والاتری نسبت به بقیه داشتند. بدین معنا که اگر معیارهایی چون آسایش محیطی و امنیت در محدوده‌ای وجود نداشته و یا در سطح نامناسبی باشد، وجود سایر قابلیت‌ها نمی‌تواند امکان تحقق پیدا نماید. بنابراین، در سیاست‌گذاری‌ها باید چنان عمل کرد که قبل از تلاش برای فراهم‌سازی زیرساخت‌ها، جایگاه و درجه اهمیت آنها معلوم شده و ابتدا در تامین و آماده‌سازی آن بخش‌هایی اقدام گردد که اولویت بالاتری داشته و حضور و ادامه حیات سایر بخش‌ها را ممکن می‌سازند.



شکل ۷. وضعیت شاخص عمودی کیفیت زندگی در بیرجند

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر خلاف انتظار، تبدیل بیرجند به مرکز استان، حداقل در بعد کیفیت زندگی نتوانسته است، انتظارات مردم را برآورده نماید. شاید یکی از دلایل این امر آن باشد که مردم این شهر که چندین دهه در پی استقلال بخش جنوبی از خراسان بزرگ بودند، انتظارات بسیار بیشتری از آنچه واقعاً به وقوع پیوست، داشته‌اند. با این وجود، باید در نظر داشت که نابرابری‌های جغرافیایی و فضایی می‌تواند به دلیل تفاوت در ترجیحات ذهنی هم حادث شود (اوچوا-ریکو و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین مشخص گردید که رشد اقتصادی همیشه به سلامت و رفاه کلی منجر نمی‌شود. شاید از همین جهت است که عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی و توسعه شاخص‌های آن توجه اساسی را به خود جلب کرده‌است.

مطابق یافته‌های این مطالعه، با ارتقای بیرجند از یک شهر عادی به مرکزیت استان، شهروندان وضعیت خود را با سایر مراکز استان مقایسه کرده و احساس می‌کنند، سهم کمتری از امکانات شهری به آنها تعلق گرفته‌است. این یافته با نتایج وس و همکاران (۲۰۲۳) مطابقت دارد. در مطالعه این گروه مشخص گردید که وضعیت عینی کیفیت زندگی به شدت از اطلاعات شهروندان از شرایط ساکنین دیگر مناطق جهان، متأثر می‌شود. البته این معیارهای جهانی را می‌توان با شاخص‌های کیفیت زندگی بیان کرد که معمولاً بر اساس حقایق عینی قابل مشاهده و ارزیابی ذهنی خود افراد از زندگی‌شان، حاصل آمده‌است.

این مطالعه نشان داد که کیفیت زندگی شهری شامل ابعاد افقی (بعد عینی و ذهنی) و ابعاد عمودی، از جمله جنبه‌های شرایط زندگی در فضاهای شهری است. بنابراین، ابعاد عینی و ذهنی روش‌های ارزیابی متفاوتی دارند و هر یک از آنها دیدگاه‌های متفاوتی از ارزیابی شرایط زندگی (ارزیابی‌های بیرونی و درونی) در اختیار قرار می‌دهند. از همین رو، همه ابعاد در ارزیابی کیفیت زندگی شهری به یک اندازه مرتبط در نظر گرفته می‌شوند. در نتیجه، ارزیابی دقیق کیفیت زندگی بدون توجه به عناصری غیر ممکن خواهد بود. این عناصر را می‌توان شامل شرایط عینی زندگی، رضایت از شرایط زندگی و اهمیت این شرایط برای بقا و استمرار حیات آنها دانست. این یافته به نوعی دیگری در کارهای فلچه^۱ و پری^۲ مورد تأکید قرار گرفته‌است.

یافته‌های این بررسی مشخص ساخت که اگر قرار باشد به شهرهای زیست‌محیطی پایدار، تاب‌آور، فراگیر به لحاظ اجتماعی و ایمن و از نظر اقتصادی مولد برسیم، چاره‌ای جز این نیست که شناسایی مستمر ابعاد و شاخص‌های موثر در

^۱. Felce

^۲. Perry

دوره ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۶، تابستان ۱۴۰۳

این حوزه‌ها را مدنظر قرار داده و بعد از مطالعه نیز پیشنهادات دقیقی در حوزه سیاست‌های عمومی که کیفیت زندگی نیز در حیطه آن قرار دارد، ارائه گردد.

نتایج مطالعه حاضر، نشان داد که در شهر بیرجند کیفیت زندگی ذهنی (رضایتمندی) از نظر ساکنان پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد و به طور میانگین این مقدار برای کل شهر حدود ۲/۵ برآورد می‌شود. کیفیت زندگی عینی نیز شرایطی همانند دارد و مقدار متوسط آن حدود ۲/۵۴ محاسبه شده و ابعاد عمودی نیز وضعیت مشابهی دارد. به عبارت دیگر، هم اکنون شهروندان بیرجندی رضایتمندی چندانی نداشته و در این زمینه عوامل و مولفه‌های گوناگون ذی‌نقش هستند که بایستی با مطالعات دقیق و همه جانبه نسبت به شناسایی آنها اقدام مقتضی صورت پذیرد (تاکانو و همکاران، ۲۰۲۳). در عین حال و با توجه به این که بدترین شرایط از نظر کیفیت زندگی متعلق به مناطق حاشیه‌نشین شهر بوده و در بخش شمالی مشاهده می‌شود (صابری‌فر، ۱۳۹۱) اولویت این بخش بیشتر بوده و قبل از این که مشکلات و پیامدهای این بخش، وضعیت سایر مناطق شهر را متاثر سازد، باید نسبت به رفع برخی از تنگناهای موجود در این منطقه اقدام نمود. با وجود آن که بالا بردن کیفیت زندگی در شهر و مناطق خاصی از آن، ضرورت برنامه‌ریزی‌های همه جانبه و پروژه‌های عظیم شهری را می‌طلبد، اما در دستور کار قرار گرفتن برخی از طرح‌های کوتاه مدت و با اعتبارات اندک، می‌تواند وضعیت بحرانی این شرایط را تا حد زیادی تعدیل نماید. به طوری که از نظر ساکنین بخش‌های فقیر و حاشیه‌نشین، دسترسی به محیط‌های سالم و تمیز، وجود پارک‌های محلی و در دسترس بودن برخی از تسهیلات خدماتی و درمانی می‌تواند رضایتمندی را بیشتر نموده و امیدواری به پیشرفت‌های آتی را دوچندان کند. در برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت نیز اجرای طرح‌های احیای بافت فرسوده و ایجاد تحولات ساختاری در روند ساخت مسکن و ... می‌تواند این شرایط را تا حد زیادی قابل دسترس سازد.

در حقیقت، ارتقای کیفیت زندگی، به صورت یک چرخه خود تقویت شونده عمل کرده و اقدامات خرد و جزئی را با نیرویی صد چندان به جلو خواهد برد. به عبارت دیگر، تلاش در جهت ارتقای کیفیت زندگی مهمترین متغیر در ساماندهی و دستیابی به توسعه پایدار است. چنانچه این وزن، اندک در نظر گرفته شده و یا صفر منظور شود، تمام تلاش‌های دیگر اثربخشی خود را از دست خواهند داد. به‌طور کلی، شهرها اگر قرار با شد، اکوسیستمی مدیریت و اداره شوند، ابتدا بایستی کیفیت زندگی آنها ارتقا پیدا نماید. در غیر این صورت، شهر تبدیل به آکواریومی می‌شود (صابری‌فر، ۱۴۰۲) که ادامه حیات آن بدون صرف هزینه‌های سنگین آن هم از طرف دولت، غیر ممکن می‌گردد. از همین رو است که در تحقیقات اخیر (تاکانو و همکاران، ۲۰۲۳) تاکید بر ابعاد فضایی (شهر) و ابعاد انسانی (شهروندان)، برای ارتقای کیفیت زندگی افزایش یافته‌است. به همین منظور، این مطالعه تلاش کرد درک بهتری از نابرابری‌ها در کیفیت زندگی شهری ارائه داده و یک مبنای علمی مناسب را برای سیاست‌گذاری‌های شهری بر اساس تنوع موجود و مبتنی بر نگاهی فراگیر ارائه کند. در عین حال، باید توجه نمود که برای بهبود کیفیت زندگی همه شهروندان، این شرایط بایستی به طور مستمر در مقیاس‌های مختلف مورد ارزیابی و پایش قرار گیرد و هم جنبه‌های زیرساختی و هم احساس ارزش‌ها و سبک زندگی به همراه هم مدنظر باشد. در این صورت، سیاست‌های شهری، طرح‌ها، قوانین و مقررات برنامه‌ریزی باید با در نظر گرفتن دانش مبتنی بر شواهدی در زمینه پیوندهای بین شهرها و کیفیت زندگی تدوین و تنظیم شوند. علاوه بر ابعاد محلی و موردی، نتایج این مطالعه در ابعاد نظری و مفهومی، مشخص ساخت که مفهوم و شاخص‌های کیفیت زندگی چگونه در طی زمان حک و اصلاح شده و اصولاً یک مقوله‌ای چون کیفیت زندگی جامع، چه شاخص‌هایی را شامل شده و در نهایت، کدام شاخص‌ها و ابعاد کیفیت زندگی، بهتر می‌تواند وضعیت این مقوله را در مناطق شهری مختلف مورد ارزیابی و پایش قرار دهد.

References

- Becker, B. j. (2000). *Handbook of Applied Multivariable Statistics and Mathematical Modeling*. San Diego: Academic Press.
- Bereton F. (2008). Assembling Life Quality. *Soc Indic Res*, 88, 268-281.
- Bramston, P., Pretty, G., & Chipuer, H. (2002). Unravelling subjective quality of life: An investigation of individual and community determinants. *Social Indicator Research*, 59, 261-274.
- Costanza, R. (2007). Quality of Life: An Approach Integration Opportunities, Human Needs, and Subjective Well-Being. *Ecological Economics*, 61, 267-276.
- Das, D. (2008). Urban Quality of Life: A Case Study of Guwahati. *Social Indicators Research*, 88, 297-310.
- Epley, D., & Menon, M. (2008). A Method of Assembling Cross-sectional Indicators into a Community Quality of Life. *Soc Indic Res*, 88, 281-296.
- Felce, D., & Perry, J. (1995). Quality of life: Its definition and measurement. *Res. Dev. Disabil*, 16, 51-74.
- Foo, A. (2000). Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997-1998), *Habitat International*, 24, 31-49.
- Grayson, L., & Young, K. (1994). *Quality of Life in Cities: An Overview and Guide to the Literature*. London: The British Library.
- Gupta, C. (2024). *Top 10 wealthiest cities in the world in 2024*. <https://indianexpress.com/profile/author/cherry-gupta/>
- Hagerty, R. (2001). *Quality of Life in Rural Area*. New York: Institute of Agriculture and Natural Resources.
- Ibrahim, M., & Chung, W. (2003). Quality of life residents living near industrial estates in Singapore. *Social Indicator Research*, 61, 203-225.
- Karki, S. (2021). Sustainable Livelihood Framework: Monitoring and Evaluation. *nt. J. Soc. Sc. Manage*, 8(1), 266-271.
- Kharazmi, S. (2004). Quality of life and requirements of the digital age in Iran. *World of Economics*, 13(2), 11-13. (in Persian)
- Kurdzanganeh, J. (2006). Investigating the quality of life related to the elderly and the factors affecting it. Master's thesis in sociology. Faculty of Social Sciences. University of Tehran. (in Persian)
- Lee, Y.j. (2008). Subjective quality of life measurement in Taipei. *Bulidin and Environment*, 43, 1205-1215.
- Massam, B. H. (2002). Quality of Life Public Planning and Private Living. *Progress in Planning*, 58, 141-227.
- Mccrea, R. (2006). Testing a moderat model of satisfaction with urban living guising data for brisbane-south east queesland. *Social Indicators Research*, 72, 121-152.
- Mehdizadeh, J. (2003). Strategic planning of urban development, recent global experiences and its position in Iran. Tehran: Architecture and Urban Planning Research Center of Iran. (in Persian)
- Miles, S. (1985). Assesment Life Quality. *Social Indicators Research*, 72, 65-77.
- Ministry of Defense, Geographical Department of the Army. (1992). Geographical culture of the settlements of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Ministry of Defense. (in Persian)
- Moradi, M. (1992). Effective factors in the physical development of Birjand. Master's thesis in geography. Faculty of Earth Sciences. Shahid Beheshti University. (in Persian)
- Murgas, F., & Klobučník, M. (2018). Quality of life in the city, quality of urban life or well-being in the city: Conceptualization and case study. *Sciendo*, 37(2), 183-200. <http://dx.doi.org/10.2478/eko-2018-016>
- Nef, D.P., Nef, S., & Kruetli, P. (2023). Putting people back at the center of livelihood vulnerability analysis. *SN Soc Sci*, 3(184), 75-86.

دوره ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۶، تابستان ۱۴۰۳

- Ochoa-Rico, M.S., Río, J.A.Jd., & Romero-Subia, J.F. (2024). Study of Citizen Satisfaction in Rural Versus Urban Areas in Public Services: Perspective of a Multi-group Analysis. *Soc Indic Res*, 171, 87–110. <https://doi.org/10.1007/s11205-023-03242-2>
- Omidi, R. (2007). Quality of life in development programs in Iran. Master's thesis in sociology. Faculty of Social Sciences. University of Tehran. (in Persian)
- Pacione, M. (2003). Urban Environmental Quality and Human Wellbeing –A Social Geographical Perspective. *Landscape and Urban Planning*, 65, 33-49.
- Pal, A. K., & Kumar, U.C. (2005). Quality of Life Concept for the Evaluation of Societal Development of Rural Community in West Bangal, India. *Rural Development*, 15, 49-61.
- Parse, R.R. (1994). Quality of Life: Sciencing and Living, the Art of Human Becoming. *Nursing Science Quayerly*, 17, 1-21.
- Philips, D. (2006). *Quality of Life Concept, Policy and Practice*. London: Routlege.
- Rizwani Mohammadreza, and Mansourian, Hossein. (2008). Measuring the quality of life by examining indicators and models and presenting a proposed model for rural areas. *Village and Development*, 11(3), 1-26. (in Persian)
- Rizwani, M., Shakiba, A., & Mansourian, H. (2007). Assessing the quality of life in rural areas, *Social Welfare Quarterly*, 8(31), 11-23. (in Persian)
- Saberifar, R. (2011). *Studying the phenomenon of marginal living in Birjand city*. Research project of Payam Noor University, South Khorasan province. (in Persian)
- Saeedi, N., Saeedi, A., & Ebadi-Fardazer, F. (2024). The status of lifestyle and quality of life related to health in western Iran. *Journal of Monitoring*, 23(3), 427-417. (in Persian)
- Saif-aldini, F. (2002). Vocabulary of urban and regional planning. Second edition. Shiraz: Shiraz University Press. (in Persian)
- Santo, R. (2007). *Quality Life, Unlashing the Potential of Urban Growth*. New York: UNFPA.
- Smith, W. (1973). *The art and Architecture*. New Haven: Yale University.
- Takano, T., Morita, H., Nakamura, H., & Togawa, T. (2023). Evaluating the quality of life for sustainable. *urban development*, 142, 45-61.
- Turksever, A. N. E., & Atalik, G. (2001). Possibilities and Limitations for the Measurement of the Quality of Life in Urban Areas. *Social Indicators Research*, 53,163–1.
- Wesz, J., Gomes Miron, L., Delsante, I., & Tzortzopoulos, P. (2023). Urban Quality of Life: A Systematic Literature Review. *Urban Sci.*, 7(2), 56-69. <https://doi.org/10.3390/urbansci7020056>
- Winsted, G. (1985). Measurement of the Quality of Life. *Social Indicator Research*, 79, 11-21.
- Wish, S. (1986). Quality of Life. *Social Indicators Research*, 72,78–97.
- Zebardast, E. (2009). The housing domain of quality of life and life satisfaction in spontaneous settlements on the Tehran metropolitan frings. *Social Indicator Research*, 90, 307-324.